گزارش

بقایی: در استفاده از ابزار دیپلماسی تردید نمی‌کنیم

شرق: سخنگوی وزارت خارجه درباره احتمال ازسرگیری مذاکرات با طرف‌های مقابل گفت: هرگاه به این جمع‌بندی برسیم که شرایط و زمینه لازم برای مذاکره‌ای که تأمین‌کننده منافع و حقوق ملت ایران باشد، فراهم است، در استفاده از ابزار دیپلماسی تردید نخواهیم کرد. «اسماعیل بقایی» در ابتدای نشست خبری دیروز خود، با بیان اینکه «هفته گذشته وزارت خارجه در راستای دیپلماسی اقتصادی، دومین نشست دیپلماسی استانی را در مشهد برگزار کرد»، گفت: هدف ما، تلاش برای تسهیل تعاملات اقتصادی با کشورهای هدف ازجمله کشورهای همسایه است. وی افزود: در سطح منطقه نیز همچنان با موضوع فلسطین و تحولات منطقه روبه‌رو هستیم و اگر پیش از این درباره تداوم نسل‌کشی از سوی رژیم صهیونیستی در فلسطین صحبت می‌کردیم، امروز شاهد نقض مکرر آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی در غزه هستیم. بقایی در ادامه درباره سفر وزیر کشور عمان به ایران و دیداری که او با علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی انجام داده است، گفت: این سفر در راستای همکاری‌های خوب ایران و عمان انجام شده است. ایشان در جریان این سفر، دیدارهای دوجانبه‌ای با مقامات کشورمان داشتند؛ ازجمله اینکه با دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار و رایزنی کردند و با رئیس‌جمهور نیز دیدار خواهند داشت. وی ادامه داد: وزیر کشور عمان به‌عنوان میهمان ویژه در نشست وزرای کشور سازمان اکو شرکت کرده است. بقایی همچنین گفت: در نشست وزرای کشور اکو که امروز در تهران برگزار شده، هیئتی از افغانستان نیز حضور دارند و معاون وزیر کشور عراق و وزیر کشور عمان نیز به‌عنوان میهمانان ویژه در این نشست حضور پیدا کرده‌اند.

امنیت سوریه برای ایران و کل منطقه مهم است

سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به پرسش ایسنا در ارتباط با سفر نماینده ویژه روسیه در امور سوریه به تهران در هفته گذشته و اینکه آیا اخیرا تغییری در روابط ایران و سوریه ایجاد شده است؟ گفت: این سفر نیز در ادامه همکاری‌ها و رایزنی‌هایی است که از مدت‌ها قبل در مورد موضوع سوریه با شرکای خود ازجمله روسیه داشته‌ایم. بقایی با اشاره به تحولات سیالی که در سوریه در جریان است، گفت: همان‌طورکه بارها گفته‌ایم، سوریه کشوری مهم در منطقه است. امنیت سوریه برای ایران و کل منطقه مهم بوده و طبیعی است که ما با شرکای منطقه‌ای خود و سایر کشورها که در رابطه با موضوع سوریه ذی‌مدخل هستند، مشورت و رایزنی کنیم و این سفر نیز در همین چارچوب انجام شده است. سخنگوی وزارت خارجه ایران در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه گروسی مدعی شده مذاکراتی در پشت پرده برای ازسرگیری بازرسی‌ها از ایران در جریان است، گفت: من چنین عبارتی را از آقای گروسی نشنیده‌ام.

چارچوب تعهدات بین‌المللی ما مشخص است

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به پرسشی دیگر درباره وضعیت همکاری‌های ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اینکه به نظر می‌رسد این روابط بلاتکلیف است، تأکید کرد: سقف و کف همکاری‌های ما را قوانین و تعهدات بین‌المللی تعیین می‌کند. ما معاهده‌ای داریم به نام معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و همچنین توافق پادمان که این دو مبنای تعامل ما با آژانس هستند؛ مانند هر کشور غیرهسته‌ای دیگری. وی با اشاره به قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل افزود: قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تصریح دارد که پس از پایان دوره ۱۰ساله، با ایران همانند سایر کشورهای غیرهسته‌ای برخورد خواهد شد. ما تا زمانی که این قطع‌نامه برقرار بود، مجموعه‌ای از تعهدات داوطلبانه را پذیرفته بودیم که هدف آن اعتمادسازی و ایجاد شفافیت فراتر از تعهدات پادمانی، در ازای رفع تحریم‌های ظالمانه بود. بقایی ادامه داد: اکنون شرایط روشن و چارچوب تعهدات بین‌المللی ما مشخص است. تکلیف کاملا روشن است. همان‌طورکه پیش‌تر نیز اشاره کردم، ما براساس تعهدات خود در چارچوب معاهده NPT و توافق پادمان، با در نظر گرفتن مصوبه مجلس شورای اسلامی، مسیر همکاری با آژانس را ادامه خواهیم داد. وی در نشست خبری هفتگی خود، در پاسخ به پرسشی درباره احتمال ازسرگیری مذاکرات با طرف‌های مقابل، گفت: هرگاه به این جمع‌بندی برسیم که شرایط و زمینه لازم برای مذاکره‌ای که تأمین‌کننده منافع و حقوق ملت ایران باشد، فراهم است، در استفاده از ابزار دیپلماسی تردید نخواهیم کرد.

جایگاه موضوع هسته‌ای در سیاست خارجی

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به پرسشی با اشاره به جایگاه موضوع هسته‌ای در سیاست خارجی کشور گفت: ما در وزارت خارجه و دستگاه دیپلماسی، فعالیت‌های گسترده‌ای داریم و معطل یک یا چند روند مذاکراتی نشده‌ایم. وزارت خارجه هزاران مأموریت دارد و همه آنها در حال انجام است. او با تأکید بر اینکه «موضوع هسته‌ای یکی از محورهای کاری وزارت خارجه است»، افزود: همان‌طورکه پیش‌تر نیز اشاره کردم، کل موضوع هسته‌ای به‌نوعی به ما تحمیل شد. این موضوع از ابتدا نباید در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل قرار می‌گرفت. سخنگوی وزارت خارجه در ادامه تصریح کرد: از نظر ما، چه در گذشته و چه اکنون، موضوع هسته‌ای ایران نباید در سطح شورای امنیت یا در سطوح چندجانبه مورد بررسی قرار گیرد؛ این مسئله باید در چارچوب‌های فنی و حقوقی و نه سیاسی و امنیتی دنبال شود.

روابط رو به رشد ما با چین، به قوت خود ادامه پیدا خواهد کرد

بقایی در پاسخ به سؤال یک خبرنگار چینی درباره دیدار رؤسای چین و آمریکا در آینده نزدیک و تأثیر احتمالی این موضوع بر روابط تهران و پکن اظهارکرد: روابط ما با چین، روابط مستحکمی است و ما در سطوح مختلف روابط دوجانبه و بین‌المللی و همچنین در سطح سازمان‌های بین‌المللی همچون بریکس و شانگهای با چین دارای تعاملات و مراوده هستیم. وی افزود: روابط رو به رشد ما با چین، فارغ از تحولات و اعمال نفوذ احتمالی برخی از کشورها و دیگران، به قوت خود ادامه پیدا خواهد کرد.

روند اجرای تفاهم امنیتی ایران و عراق قابل قبول است

سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به سؤالی در مورد سفر مشاور امنیت ملی عراق به ایران و آخرین وضعیت اجرای تفاهم‌نامه امنیتی ایران و عراق گفت: روندی که برای اجرای این تفاهم انجام شده، قابل قبول است. وی ادامه داد: این موضوع نیازمند مراقبت دو طرف است تا به بهترین نحو ممکن این تفاهم‌نامه اجرا شود.

سفر لاریجانی به روسیه در ادامه رایزنی‌های مستمر بین ۲ کشور انجام شد

سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگار یک رسانه آمریکایی در ارتباط با سفر اخیر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، به روسیه و اینکه آیا این سفر مربوط به دریافت تسلیحات از سوی ایران از جانب روسیه بوده است؟ گفت: سفر اخیر دبیر شورای امنیت ملی ایران به روسیه، اولین سفر نبوده است و این سفر در ادامه رایزنی‌های مستمر بین ایران و روسیه انجام شده و در آن طیفی از موضوعات بررسی شده است.

ادامه در صفحه ۳

گزارش «شرق» از تلاش واشنگتن برای بازگشت به بگرام و بازی تازه آمریکا در کنار مرزهای ایران

معادلات غرب برای شرق

مهدی بازرگان: در حالی که هنوز تبعات حضور ۲۰ساله ایالات متحده در افغانستان از حافظه مردم این کشور پاک نشده، دونالد ترامپ با اظهارات تازه‌اش درباره بازپس‌گیری پایگاه بگرام، بار دیگر افغانستان را به کانون رقابت قدرت‌های جهانی بازگردانده است. او چند هفته پیش در پیامی تهدیدآمیز خطاب به طالبان نوشت که اگر پایگاه بگرام به آمریکا بازگردانده نشود، «اتفاقات ناخوشایندی رخ خواهد داد». این مواضع در شرایطی مطرح می‌شود که زلمای خلیل‌زاد، معمار اصلی سیاست آمریکا در افغانستان، در سفری غیرمنتظره به کابل رفت و مجموعه‌ای از دیدارهای پشت‌پرده با رهبران طالبان و چهره‌های سیاسی این کشور انجام داد. هم‌زمان، جنگی کوتاه اما شدید میان پاکستان و طالبان افغانستان، بار دیگر بی‌ثباتی را در مرزهای شرقی ایران شعله‌ور کرده است. این سه رویداد در ظاهر از هم جدا به نظر می‌رسند، اما در واقع بخشی از یک پازل امنیتی واحدند که پیامدهای مستقیم برای تهران و امنیت منطقه‌ای دارد. پایگاه بگرام در ۶۰کیلومتری شمال کابل، از نظر جغرافیایی و راهبردی موقعیتی بی‌نظیر دارد. اشراف آن بر مسیرهای منتهی به آسیای مرکزی، چین و ایران، باعث شده این پایگاه همواره در مرکز توجه قدرت‌های جهانی باشد. ترامپ آن را «پایگاهی یک‌ساعته از تأسیسات هسته‌ای چین» می‌داند و بازگرداندن آن را نشانه احیای اقتدار واشنگتن در آسیای جنوبی توصیف می‌کند. هرچند این سخنان جنبه تبلیغاتی دارد، اما اهمیت ژئوپلیتیک بگرام در ساختار جدید رقابت آمریکا با چین و روسیه انکارناپذیر است.

از نگاه تهران، بازگشت احتمالی آمریکا به بگرام فقط موضوعی مربوط به افغانستان نیست، بلکه حلقه‌ای از طرح گسترده‌تر واشنگتن برای بازتعریف موازنه در منطقه است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در واکنش به این ادعاها تأکید کرده بود که حضور ۲۰ساله آمریکا در افغانستان چیزی جز ناامنی، تروریسم و گسترش مواد مخدر به همراه نیاورده است و کشورهای منطقه بر ضرورت احترام به تمامیت سرزمینی افغانستان و مخالفت با هرگونه بازگشت نیروهای بیگانه اتفاق نظر دارند.

خلیل‌زاد و نقشه تازه واشنگتن برای طالبان

زلمای خلیل‌زاد، دیپلمات کهنه‌کار افغان‌تبار و طراح اصلی کنفرانس بن و توافق دوحه، اکنون بار دیگر با مأموریتی تازه وارد کابل شده است. هرچند رسانه‌های غربی این سفر را «شخصی» توصیف کردند، اما سابقه نقش‌آفرینی او در شکل‌دهی ساختار سیاسی افغانستان نشان می‌دهد که این حضور نمی‌تواند صرفا نمادین باشد. خلیل‌زاد در واقع حامل طرح جدیدی برای تثبیت طالبان در قدرت است؛ طرحی که به‌ظاهر بر اصلاحات سیاسی و تعدیل رفتاری استوار است، اما در عمق خود تلاشی برای مشروعیت‌بخشی به رژیمی است که آمریکا همچنان آن را از راه دور مدیریت می‌کند.

در این نقشه، طالبان باید از انزوای بین‌المللی بیرون آورده شوند، چند چهره نمادین از اقوام شمالی وارد ساختار قدرت شوند و چهره‌ای معتدل‌تر از حکومت کنونی در معرض دید جامعه جهانی قرار گیرد. هدف نهایی، بازکردن مسیر دسترسی طالبان به منابع مالی خارجی و تضمین تداوم حیات سیاسی این گروه است. در ظاهر، این رویکرد به‌منزله کمک به ثبات افغانستان معرفی می‌شود، اما در واقع واشنگتن با چنین پوششی قصد دارد کنترل سیاسی و اطلاعاتی خود را بدون هزینه نظامی حفظ کند.

تحلیلگران معتقدند مأموریت جدید خلیل‌زاد بر سه محور استوار است؛ احیای نقش بگرام به عنوان مرکز کنترل اطلاعاتی و دیده‌بان آمریکا در آسیای مرکزی، حفظ شبکه حقانی به عنوان بازوی اطلاعاتی پاکستان و ابزار واشنگتن در مهار ایران و روسیه و افزودن چند چهره غیرپشتون برای نمایش دولت فراگیر. این ترکیب به ظاهر متوازن، در واقع چتری پوششی برای تداوم نفوذ آمریکا در کابل است.

از منظر امنیتی، چنین سناریویی پیامدهای مستقیمی برای ایران دارد. تقویت شبکه‌های وابسته به پاکستان در درون طالبان به‌معنای گسترش فعالیت‌های گروه‌هایی است که نگاه ضدایرانی دارند. از سوی دیگر، تداوم وابستگی طالبان به منابع مالی غربی، احتمال بازگشت تدریجی حضور اطلاعاتی و فنی آمریکا در شرق ایران را افزایش می‌دهد. ایران در دو دهه اخیر بارها تأکید کرده که ثبات افغانستان را بخشی از امنیت ملی خود می‌داند، اما هرگونه حضور مجدد آمریکا در قالب همکاری‌های اطلاعاتی یا امنیتی با طالبان، این پیوند امنیتی را شکننده می‌کند. در همین چارچوب، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز در اظهارات اخیر خود هشدار داده که تجربه گذشته حضور ناتو در افغانستان باید درس مشترک منطقه‌ای باشد و هر نوع بازگشت نیروهای بیگانه، صرف‌نظر از پرچم و عنوان، تکرار همان چرخه بی‌ثباتی خواهد بود.

جنگ پاکستان و طالبان؛ آتش پنهان در مرزهای شرقی ایران

در حالی که فضای سیاسی افغانستان تحت تأثیر بازگشت خلیل‌زاد و ادعاهای ترامپ قرار داشت، در شرق این کشور نبردی تازه میان نیروهای طالبان و ارتش پاکستان درگرفت. هرچند اکنون آتش‌بسی شکننده میان دو طرف برقرار است، اما کارشناسان بر این باورند که این آرامش، بیش از آنکه نشانه ثبات باشد، آرامش پیش از توفان است.

اختلافات اسلام‌آباد و کابل سابقه‌ای تاریخی دارد؛ از زمان ترسیم خط دیورند تا امروز، هر دو کشور یکدیگر را به پناه‌دادن به گروه‌های افراطی متهم کرده‌اند. اما در وضعیت کنونی، این مناقشه فقط به روابط دو همسایه محدود نمی‌شود. جنگ اخیر در امتداد همان خطوطی شکل گرفته که آمریکا و متحدانش در تلاش برای مهار چین و ایران در آن بازی می‌کنند. بی‌ثباتی در مرز افغانستان و پاکستان، عملا پروژه «کریدور اقتصادی چین و پاکستان» را هدف می‌گیرد و اتصال زمینی پکن به دریای عمان را به خطر می‌اندازد. از سوی دیگر، ناامنی در شرق افغانستان می‌تواند مسیرهای ترانزیتی ایران به آسیای مرکزی را نیز مختل کند. به همین دلیل، تهران بارها تأکید کرده که ثبات در مرزهای شرقی باید اولویت منطقه‌ای باشد. تجربه تاریخی ایران در دوره پهلوی و پس از انقلاب نشان می‌دهد که هرگاه روابط اسلام‌آباد و کابل به بحران رسیده، ناامنی در شرق ایران نیز افزایش یافته است. از این منظر، دیپلماسی فعال ایران برای میانجیگری میان دو کشور نه‌تنها اقدامی سیاسی، بلکه ضرورتی امنیتی است. با این حال، شرایط فعلی پیچیده‌تر از گذشته است. طالبان یکپارچه نیستند و جناح‌های مختلف این گروه رویکردهای متفاوتی نسبت به پاکستان دارند. برخی از شاخه‌ها مانند شبکه حقانی همچنان روابط نزدیک با اسلام‌آباد دارند، اما گروه‌های دیگر، به‌ویژه در جنوب و غرب افغانستان، از مداخله پاکستان خشمگین‌اند. این چندپارگی، فضای مناسبی برای نفوذ و مدیریت بحران از سوی بازیگران خارجی فراهم کرده است. واشنگتن و لندن با بهره‌گیری از همین شکاف‌ها می‌کوشند در قالب حمایت‌های اطلاعاتی یا به‌ظاهر بشردوستانه، حضور غیرمستقیم خود را در منطقه بازسازی کنند. از منظر ژئوپلیتیک، هرگونه بازگشت آمریکا به بگرام، در کنار بی‌ثباتی مرزهای پاکستان و افغانستان، می‌تواند به شکل‌گیری کمربندی از ناامنی در پیرامون ایران منجر شود؛ کمربندی که از دریای عمان تا آسیای مرکزی امتداد دارد. چنین وضعیتی برای تهران، نه‌تنها از منظر امنیتی، بلکه از حیث اقتصادی نیز چالش‌برانگیز است؛ زیرا پروژه‌های ترانزیتی، انرژی و تجاری ایران در شرق کشور وابسته به ثبات افغانستان و پاکستان است.

عبدالمحمد طاهری: هدف آمریکا صرفا نه بازپس‌گیری بگرام، بلکه کنترل ژئوپلیتیک گسترده‌تری است که ایران، چین و روسیه را هم در بر می‌گیرد

در تحلیل نکات یادشده، عبدالمحمد طاهری نیز در گفت‌وگو با «شرق»، با اشاره به تحرکات اخیر آمریکا و بازگشت زلمای خلیل‌زاد پس از ادعای ترامپ برای حضور مجدد در بگرام، مسئله را از زاویه‌ای نه‌چندان خوش‌بینانه تحلیل می‌کند و تأکید دارد: «من همچنان بر این باورم تا زمانی که خلیل‌زاد زنده است، او را باید نماینده تفکر محافظه‌کاران آمریکایی در ساختار قدرت واشنگتن در معادلات افغانستان دانست و در این برهه مشخص، نقش خلیل‌زاد برای آمریکا در قالب برنامه‌ریزی تازه برای بگرام خواهد بود». البته تحلیلگر ارشد مسائل افغانستان تصریح می‌کند: «هدف این بار نه صرفا بازپس‌گیری بگرام، بلکه کنترل ژئوپلیتیک گسترده‌تری است که ایران، چین و روسیه را هم در بر می‌گیرد».

این مفسر حوزه آسیای میانه تأکید می‌کند: «تفکر حاکم بر سیاست خارجی جمهوری‌خواهان در آمریکا، به‌ویژه جریان نزدیک به ترامپ، مبتنی بر گسترش نفوذ از مسیر فشار، تهدید و خشونت است»؛ اندیشه‌ای که به گفته طاهری، «در کل جهان از ونزوئلا تا افغانستان امتداد پیدا کرده است و تا وقتی پابرجاست، دنیا و به‌خصوص منطقه پیرامونی ایران روی آرامش نخواهد دید».

پژوهشگر ارشد مسائل شبه‌قاره، با اشاره به طرح دوباره بازگشت آمریکایی‌ها به افغانستان، خاطرنشان کرد: «واشنگتن از شکست سنگین خود در سال ۲۰۲۱ درس نگرفته و در پی بازسازی همان ساختار نفوذ است؛ اما این بار با ابزارهای غیرنظامی و ترکیبی از جنگ اطلاعاتی، سایبری و اقتصادی». تحلیلگر ارشد مسائل پاکستان ادامه داد: «آمریکا امروز دیگر لشکرکشی نمی‌کند، بلکه می‌خواهد از مسیرهای نرم، اطلاعاتی و نیابتی نفوذ خود را بازسازی کند. برای آنها افغانستان تنها یک پایگاه نظامی نیست؛ سکوی فشار بر ایران، روسیه و چین است».

طاهری که مستشار و رایزن فرهنگی وزارت امور خارجه ایران در وزارت معارف افغانستان پیش از حکومت دوم طالبان بوده است، تأکید دارد: «این روند خطرناک ترامپ با نقش‌آفرینی خلیل‌زاد، زنگ خطری جدی برای تهران است و جمهوری اسلامی ایران باید حضور خود را در افغانستان حفظ و تقویت کند»؛ چراکه به زعم او، «هرچه ایران از افغانستان فاصله بگیرد، هزینه‌های امنیتی‌مان افزایش می‌یابد. ما با افغانستان پیوندهای فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیک عمیقی داریم که باید به شکل جدی تقویت شود و ارتباط فعال و هوشمندانه با کابل می‌تواند مخاطرات ناشی از بازگشت آمریکا را به‌طور جدی کاهش دهد».

این مدرس دانشگاه در ادامه، با اشاره به سفرهای اخیر مقامات آمریکایی و نقش محوری خلیل‌زاد، بر این نکته تأکید می‌کند که «این بار مأموریت خلیل‌زاد نه برای سازش با طالبان، بلکه برای بازتعریف معادلات قدرت در جنوب آسیا طراحی شده است». او می‌افزاید: «علاوه بر آمریکا، اسرائیلی‌ها نیز پشت این پروژه حضور دارند و هدف نهایی‌شان، تضعیف اقتدار جمهوری اسلامی ایران است». با چنین برداشتی، طاهری باور دارد «درواقع بگرام صرفا یک نماد است؛ هدف اصلی، بازسازی حلقه فشار علیه تهران است. آنچه در ظاهر به نام مهار چین مطرح می‌شود، در عمق خود مهار ایران است».

مشاور سیاسی محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه سابق افغانستان، با تحلیل رقابت قدرت‌های جهانی در این کشور، به «شرق» می‌گوید: «در افغانستان، نه روسیه پایگاه دارد و نه چین. چینی‌ها صرفا منافع اقتصادی را دنبال می‌کنند و بازار افغانستان را در اختیار گرفته‌اند. در مقابل، ایران علاوه بر اقتصاد، در لایه‌های فرهنگی، زبانی و امنیتی نیز ریشه دارد. این پیوندها برگ برنده‌ای است که باید با سیاست‌ورزی فعال حفظ شود». از منظر او، «هرگونه عقب‌نشینی ایران از صحنه افغانستان، به معنای واگذاری میدان به آمریکا و اسرائیل است؛ نیروهایی که می‌خواهند از خاک افغانستان برای برهم‌زدن امنیت منطقه و ایران استفاده کنند».

تحلیلگر ارشد مسائل پاکستان، در بخش دیگری از گفت‌وگو، به بُعد اطلاعاتی و امنیتی ماجرا اشاره کرده و هشدار می‌دهد: «نفوذ موساد در افغانستان دیگر فرضیه نیست، بلکه واقعیتی قطعی است. دو سال پیش وقتی از نفوذ اسرائیل در افغانستان سخن گفتم، صرفا بر پایه مطالعات نظری بود؛ اما امروز شواهد میدانی آن روشن است. در جریان جنگ ۱۲روزه، یکی از مسیرهای عملیات علیه ایران، آسمان افغانستان بود. اطلاعات مخابراتی و الکترونیکی از آن کشور علیه ما استفاده شد. اکنون نیز موساد در افغانستان فعال است و از ضعف ساختاری طالبان برای نفوذ بهره می‌برد».

طاهری این را هم توضیح داد که «طالبان به دلیل نگاه سنتی و محدود خود، توانایی مهار و رصد این نفوذ را ندارند و همین مسئله باعث شده افغانستان به یکی از کانون‌های جدید فعالیت موساد در منطقه علیه ایران تبدیل شود». او تأکید می‌کند: «طالبان فاقد دستگاه اطلاعاتی مدرن هستند و نمی‌توانند حضور اسرائیل و موساد را کنترل کنند. نتیجه آن است که در دو سال اخیر، هر عملیاتی که اسرائیل خواسته، در منطقه از مسیر افغانستان دنبال شده است».

طاهری: «نفوذ موساد در افغانستان دیگر فرضیه نیست، بلکه واقعیتی قطعی است. دو سال پیش وقتی از نفوذ اسرائیل در افغانستان سخن گفتم، صرفا بر پایه مطالعات نظری بود؛ اما امروز شواهد میدانی آن روشن است. در جریان جنگ ۱۲روزه، یکی از مسیرهای عملیات علیه ایران، آسمان افغانستان بود. اطلاعات مخابراتی و الکترونیکی از آن کشور علیه ما استفاده شد. اکنون نیز موساد در افغانستان فعال است و از ضعف ساختاری طالبان برای نفوذ بهره می‌برد».

این محقق حوزه تحولات جنوب آسیا، در پایان تصریح کرد: «امنیت ملی ایران امروز به‌شدت با تحولات افغانستان گره خورده است. هرچقدر حضور ایران در کابل فعال‌تر باشد، تهدیدهای ما کمتر خواهد شد. غیبت ایران در معادلات افغانستان، به معنای حضور دیگران است؛ و دیگران یعنی بازیگرانی که یا مستقیم با آمریکا و اسرائیل ارتباط دارند یا در خدمت پروژه‌های آنان هستند. بنابراین، حفظ پیوندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با افغانستان، نه‌فقط یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی برای امنیت ملی ماست».

خبر

سفیر روسیه:

تهران و مسکو در حال کار روی پروژه بزرگ نیروگاه هسته‌ای هستند

سفیر مسکو در تهران با بیان اینکه «همکاری‌ها میان ایران و روسیه به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است»، تأکید کرد: ایران و روسیه در حال کار روی یک پروژه نیروگاه هسته‌ای در مقیاس بزرگ هستند. الکسی ددوف، سفیر روسیه در ایران، گفته مسکو در حال ارائه کمک به ایران برای یافتن راه‌حل‌هایی به منظور حل مسئله پیرامون برنامه هسته‌ای است و به این حمایت ادامه خواهد داد. ددوف که روز سه‌شنبه با خبرگزاری تاس گفت‌وگو می‌کرد، اظهار کرد: تهران و مسکو برای حل‌وفصل وضعیت پیرامون برنامه هسته‌ای ایران که به دلیل اقدامات کشورهای غربی ایجاد شده است، در تماس مداوم هستند. ما در حال ارائه کمک‌های جامع به تهران برای یافتن یک راه‌حل سیاسی و دیپلماتیک بلندمدت برای بحران فعلی هستیم و به این کار ادامه خواهیم داد. به گفته سفیر روسیه، رایزنی‌ها بین روسیه و ایران در سطوح مختلف ادامه دارد و هر کاری که ممکن است برای یافتن یک راه‌حل دیپلماتیک مؤثر انجام می‌شود. سفیر روسیه تأکید کرد: در نتیجه، این (تلاش‌ها برای اعمال فشار بر ایران) هیچ تعهد قانونی را بر اعضای واقعی جامعه بین‌المللی ایجاد نمی‌کند. شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۶ سپتامبر، پیش‌نویس قطع‌نامه پیشنهادی روسیه و چین را که قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را به مدت شش ماه تمدید می‌کرد، رد کرد. در نتیجه، تحریم‌های لغوشده سازمان ملل علیه ایران در ۲۸ سپتامبر در پی فعال‌سازی سازوکار اسنپ‌بک توسط تروئیکای اروپایی دوباره به اجرا درآمد. ددوف تصریح کرد: تهران و مسکو گفت‌وگوهای جامع و قابل اعتماد و همچنین اجماع نظر در مورد اکثر مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دارند. وی به تاس گفت: در سال‌های اخیر، روابط به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است که از طریق پیمان مشارکت جامع استراتژیک که رؤسای جمهور ما در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵ در مسکو در جریان سفر تاریخی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران، به روسیه امضا کردند، رسمیت یافته است. در این راستا، تجارت افزایش یافته و اجرای بسیاری از پروژه‌های بزرگ در زمینه‌های مختلف آغاز شده است. سفیر روسیه خاطرنشان کرد: در سه سال گذشته، گردش مالی، تجارت متقابل و علاقه به همکاری بین جوامع اقتصادی و تجاری و خلاق به‌طور درخور توجهی افزایش یافته و پروژه‌های جدید بزرگی در بخش‌های بانکی، حمل‌ونقل، انرژی و هسته‌ای آغاز شده است. ازجمله جدیدترین (پروژه‌ها) می‌توانم به ادغام مداوم سیستم‌های پرداخت ملی میر و شتاب، ساخت بخش راه‌آهن رشت-آستارا به‌عنوان بخشی از پروژه بلندپروازانه کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب و ساخت واحدهای دوم و سوم نیروگاه هسته‌ای بوشهر اشاره کنم. بنا بر این گزارش، در ۱۷ ژانویه، ولادیمیر پوتین و مسعود پزشکیان، رؤسای جمهور روسیه و ایران، پیمان مشارکت جامع استراتژیک بین دو کشور را امضا کردند. این پیمان از دوم اکتبر لازم‌الاجرا شد. این سند، چارچوبی قانونی برای توسعه بیشتر همکاری‌های بلندمدت بین مسکو و تهران ایجاد می‌کند. این پیمان، جایگاه روسیه و ایران را به‌عنوان شرکای استراتژیک تثبیت می‌کند و همه حوزه‌ها را پوشش می‌دهد. الکسی ددوف همچنین با اشاره به اینکه «ایران و روسیه در حال کار روی یک پروژه نیروگاه هسته‌ای در مقیاس بزرگ هستند»، توضیح داد: کار عملی در چارچوب پروژه نیروگاه هسته‌ای پرقدرت در حال انجام است. مفهوم پروژه تعریف شده، یک نقشه راه قراردادی تدوین و توسط طرفین مورد توافق قرار گرفته است و اولین قرارداد (برای توسعه اسناد طراحی) در حال آماده‌سازی است. به گزارش تاس، همان‌طورکه دیپلمات ارشد روس اشاره کرد، طرفین هم‌زمان روی پروژه نیروگاه هسته‌ای کوچک (SNPP) تحت یادداشت تفاهم و همکاری امضاشده درمورد ساخت نیروگاه هسته‌ای کوچک کار می‌کنند.